

بوم خبر

تحریم‌ها حضور ایران در بینال ونیز را سخت کرد

مدیر کل هنرهای تجسمی حضور ایران در پنجاه و هشتمین بینال ونیز را در شرایط تحریم، سخت ارزیابی کرد. به گزارش خبرنگار مهر، نشست خبری نمایشگاه هنر ایران در بینال ونیز با حضور هادی مظفری مدیر کل هنرهای تجسمی، علی میرعظیمی، رضا لواسانی و سمیرا علیخانزاده هنرمندانی که در این رویداد حضور دارند، در تالار وحدت برگزار شد.

هادی مظفری، مدیر کل هنرهای تجسمی و کمیسیونر پاپیون ایران در ونیز گزارشی از حضور ایران در پنجاه و هشتمین بینال ونیز ارائه کرد و درباره انتخاب اسپانسر برای این رویداد گفت: برای انتخاب اسپانسر با وسواس و دقتی بانک آینده را برگزیدیم چون رویدادهای هنری را با جدیت دنبال می‌کند. مدیر کل هنرهای تجسمی درباره چگونگی پیوند سه هنرمند پاپیون ونیز عنوان کرد: سمیرا علیخانزاده از گذشته می‌گوید، رضا لواسانی از حال می‌گوید و شکوه زندگی را معنا می‌کند و میرعظیمی هم از فراگیری، آموزش و آینده را بیان می‌کند و در کل، مجموعه‌ای از زندگی را تداعی می‌کند و درباره فضای اختصاص داده شده به غرفه ایران و اینکه این فضائات است یا خیر، توضیح داد: فضای نمایشگاهی که کشورهای دیگر در اختیار دارند و تثبیت شده‌اند و در این فضا را در اختیار دارند و تثبیت شده‌اند و در آرسنال جیاردینی قرار دارد. غرفه ایران در میدان سن مارکو در اصلی‌ترین بخش شهر قرار دارد که شامل ۲۸۰ متر فضای مسقف است و تا آن راه نمایشگاه هنر ایران ادامه داد. مظفری در مورد اعلام هزینه‌های حضور ایران در بینال ونیز نیز گفت: چون بینال ونیز دوره شش ماهه است، در حال حاضر رقم هزینه دقیق را نمی‌توان بیان کرد اما اسامی خیلی صرفه‌جویی شده است و می‌توانیم بگوییم اسامی، نیمی از هزینه‌های موجود را صرف خواهیم کرد.



وی همچنین تأکید کرد: ما در شرایط عادی نیستیم و مشکلات بسیاری از قبیل اجاره کردن غرفه، بیمه کردن آثار و واریز وجه و انتقال آثار و به عبارتی حمل و نقل آثار و نصب آنها و برودیم و از این جهت به شدت تحت فشار بودیم چرا که مادامی که فضای نمایشگاهی موجود بیمه نشود هیچ‌کس در ایتالیا حاضر به بستن قرار داد بیمه‌ای نبود اما به لطف خدا و تلاش دوستان در مؤسسه هنرهای تجسمی، موزه هنرهای معاصر تهران و دفتر تجسمی باعث شد نتیجه بدهد. مظفری در مورد انتخاب هنرمندان برای حضور در بینال ونیز و نبود سند بالادستی برای این انتخاب گفت: بنا داشتیم کیوریتور انتخاب کنیم و طبیعتاً انتخاب هنرمند بر عهده کیوریتور است اما چون فرآیند محدود بودن این رویه مهم است، از شورای انتخاب ۳۰ نفره‌ای دعوت کردیم تا این انتخاب را انجام دهد که حسن سلطانی رئیس دانشگاه هنر، فرح‌اصولی، امیر سقراتی، محسن سلیمانی، احسان آقایی، علی بختیاری و بنده نیز در این شورا بودیم که در واقع وظیفه کیوریتور را انجام داد. وی با اشاره به حضور ایران در این رویداد گفت: جهان تصویر راجعی نسبت به هنر ایران دارد و اینطور ترویج شده که هنر ایران در صنایع دستی خلاصه شده است اما سعی کردیم هنرمندی انتخاب شود که با زبان جهانی هنر آشنا باشد و تصویر امروزی تری از ایران را بتواند در کارش نمود. دهر، رضا لواسانی یکی از هنرمندان حاضر در رویداد پنجاه و هشتم ونیز درباره کارش گفت: عنوان اثر من، زندگی است و چون در حوزه زبان فارسی و شعر سال‌ها فعال هستم و کارهایم به طور بی‌روسته در این حوزه است و بیشترین تلاش من این است که در تصاویرم شعر و زبان را به نمایش بگذارم. ابعاد این کار، ۱۷ متر است و پایه‌هاش با مواد بازیافتی کار شده است. سمیرا علیخانزاده دیگر هنرمند حاضر در ونیز بیان کرد: ۲ سال پیش نمایشگاهی از آثارم در گالری اثر برگزار شد و وقتی قرار شد برای ونیز کار بدهم، سعی کردم کاری ویژه انجام دهم. «شیخ صلب خاطر» عنوان اثرم است که در مورد نبودن آدم‌ها در عکس‌هاست.

نزدیک به یک دهه است که افشای جعل آثار هنرمندان معتبر ایرانی و ارائه آن‌ها در حراجی‌های بین‌المللی از جمله حراج آثار هنری «کریستیز» اعتبار پیشین هنر ایرانی را تا اندازه زیادی دچار خدشه کرده است

این نمایشگاه گرفتند؛ هر چند هرگز نمی‌توانیم مطمئن باشیم این پایان ماجرا باشد.

زمینه‌های بروز پدیده جعل در هنرهای تجسمی

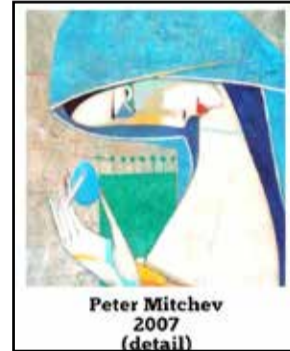
اینکه پدیده‌های ناهنجاری از این دست چگونه و در چه زمینه‌های مجال بروز و ظهور می‌یابند، نیازمند کالبدشکافی جدی‌تری است؛ اما در ارتباط با موضوع بحث به طور مشخص می‌توان اشاره‌هایی به پیشینه و زمینه‌های ظهور آن داشت. از جمله مهم‌ترین این زمینه‌ها ارتباط نزدیکی پدیده جعل با بعضی از نهادهای قدرت از جمله حلقه‌هایی از مجموعه‌داران، گالری‌های هنری و حراج‌گذاران عرصه هنرهای تجسمی است که با ضعف شمردن رویکردهای مستقل در هنرهای تجسمی حمایت‌هایی تام و تمام را از این پدیده نشان می‌دهند و مشخصاً مرعوب کردن فضای هنری اصلی‌ترین منظور آن است.

دست کم نزدیک به یک دهه است که افشای جعل آثار هنرمندان معتبر ایرانی و ارائه آن‌ها در حراجی‌های بین‌المللی از جمله حراج آثار هنری «کریستیز» اعتبار پیشین هنر ایرانی را تا اندازه زیادی دچار خدشه کرده است. موضوعی که در ادامه به حراجی‌های داخلی هم راه یافت و حتی شائبه رخنه در مجموعه‌هایی چون گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران را هم به دنبال داشت. در این خصوص به میان آمدن آثاری از هنرمندان سرشناس ایران چون سهراب سپهری و بهمن مصحح ابعاد این بی‌اعتباری را بسیار پر دامنه و فاجعه‌بار می‌نماید.



هم ختم نشد و نمایشگاه دوم تهمینه میلانی با عنوان «آن دیگری» از ششم اردیبهشت ۹۸ این بار در گالری آریانا برپا شد. این نمایشگاه با نمایش ۴۰ تابلو نقاشی اگر چه در سکوئی خبری در گالری آریانا افتتاح شد، اما از نظر هادور نماند. نمایشگاهی که نه تنها همچنان تعدادی از آثار نمایشگاه پیشین میلانی را دربرداشت، در نهایت حیرت‌حاشای کیوریتورهای دیگر هم بود. این نمایشگاه در ابتدا اعتراض یک فارغ‌التحصیل هنرهای زیبای دانشگاه تهران را در خصوص تشابه اثری در این نمایشگاه با آفریده او در پی داشت. در ادامه و با جستجوهای افشین پرورش، روزنامه‌نگار هنری، پای آثاری از «متنو زفانوتی» و «پاسکال کمپون» هم به میان آمد که در این نمایشگاه در پاهایی انکار نشدنی را از آن‌ها می‌شد دید. اما هم‌زمان با بالا گرفتن اعتراضات هنرمندان و تماس‌های مکرر آن‌ها با دفتر امور تجسمی وزارت ارشاد، مدیران گالری آریانا این بار تصمیم به تعطیلی بی‌سروصدا و زودتر از موعد

تجسمی بود و دیگر فرافکنی واقعیت. یکی از اولین واکنش‌های میلانی در پی اعتراضات نمایشگاه سال گذشته این بود: «آن اثر نقاشی را که می‌گویند کپی است من در استیکرهای فیسبوک دیده بودم و در خاطر ممانده بود». به گفته میلانی، او برای میلیهوف نوشته که قصدش کپی نبوده و صرفاً ناخودآگاهش الهام‌بخش این اثر بوده است. توضیح بیشتری لازم نیست تا مخاطب آگاه هنرهای تجسمی بدانند چنین استدلال‌هایی تا چه اندازه بی‌پایه به نظر خواهد رسید. تعطیلی این نمایشگاه اما دامنه‌نمایی بی‌معنی را از سوی این فیلمساز گستراند و او مدتی بعد در اقدامی حیرت‌انگیز از معترضان به نمایشگاهش در مجامع قضایی شکایت کرد. شاید این بخش از اقدامات تلافی‌جویانه او در ارتباط با اعتراضاتی که در مقابل نمایشگاه او صورت گرفت، حیرت‌انگیزترین بخش ماجرا باشد؛ اینکه چگونه و با توسل به نفوذ و ارتباطات خاص می‌توان به جابه‌جا کردن سندی‌های شاکی و متشاکی فکر کرد. اما حتی کار به اینجا



معصومه مهدی زاده
گالری نارنج - ۱۳۹۶

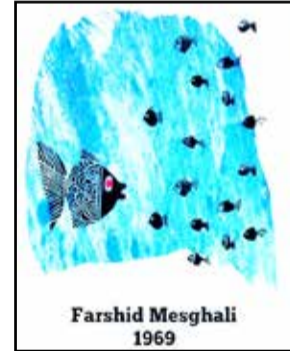


تهمینه میلانی
گالری آریانا - ۱۳۹۸

اعتراض قرار گرفت و پس از گشایش نیز به دلیل اتهام به کپی کردن از اثر «جنی میلیهوف» متوقف شد. نامحدود بودن دامنه اطلاع‌رسانی در دنیای دیجیتال موجب شد تا میلیهوف هنرمند روس تیار خود نیز در جریان این اتفاق قرار بگیرد. امری که واکنش صریح او را به دنبال داشت که در صفحه مجازی خود نوشت: «فردی سرشناس نقاشی من را کپی کرده و قصد فروش آن را دارد». این هنرمند در ادامه از این که این موضوع به او اطلاع داده شده و بعدتر از افرادی که موجب تعطیلی این نمایشگاه شدند، تشکر کرد. دفاعیات دم‌دستی تهمینه میلانی در این ارتباط از دو جهت به فریب‌افکار عمومی تعبیر شد؛ یکی استدلال‌های ناشیانه که نشان از بی‌اطلاعی محض او از ماهیت تولید اثر

تنها بخشی از خصلت‌های رفتاری چنین افرادی است که در نهایت با پرخاشگری و فرافکنی همراه می‌شود. شاید ضرورت نخستین این باشد که زمینه‌های بروز چنین ناهنجاری‌های آشکاری در عرصه هنرهای تجسمی کشور را از پیش از هر موضوع دیگری مورد توجه قرار دهیم، اما قبل از آن لازم است یکی از تازه‌ترین مصداق‌های بروز این ناهنجاری‌ها را مرور کنیم.

واقع‌نگاری یک رخداد پرمیاهو تابستان سال ۹۷ بود که تهمینه میلانی کاملاً بی‌مقدمه و ناگهان خبر از برگزاری یک نمایشگاه از نقاشی‌هایش در گالری ایوان تهران منتشر کرد. این نمایشگاه که عنوانش «فیلم‌هایی که نساختم» بود، پیش از گشایش با هشتنگ «گالری جای شما نیست» از سوی نقاشان و هنرمندان مورد



بهر روز فائقان

جعل، تقلب و کپی‌برداری در عرصه هنرهای تجسمی امری نوظهور به شمار نمی‌آید، اما اشکال و نحوه بروز آن دست‌کم در فضای هنری ایران تظاهراتی شگفت‌انگیز و غافلگیرکننده یافته است. تا آنجا که در تاریخ هر ۵۰۰ سال گذشته جهان و در عرصه هنرهای تجسمی سراغ داریم، جاعلان آثار هنری اغلب خود هنرمندانی چیره‌دست بوده‌اند که تشخیص اصالت و با عدم اصالت آثارشان نیاز به بررسی‌های کارشناسان خبره آثار هنری داشته و در بسیاری اوقات تحسین آنان راز وقت عمل و حساسیت هنری جعل‌کنندگان به دنبال داشته است. بر این اساس احساس عمومی علاقه‌مندان و مخاطبین آثار تجسمی به این «هنرمندان در سایه» امیخته‌ای از سرزنش و تحسین توأمان بوده است. اما نمونه‌های نوعی بعضی از قلب‌کنندگان آثار تجسمی در این سال‌ها به شکل‌هایی اساساً دیگرگون بروز می‌کنند و جعل‌کننده اثر هنری با معیارهایی کاملاً متفاوت پای به این عرصه می‌گذارد. سهل‌انگاری، ناتوانی در اندازه‌یابین‌ترین سطح اجرای هنری و بی‌اعتنایی به شعور مخاطب

نمایشگاه

نگاهی به هفته عکس ایران در پاریس

تمنای امید در تصویر زندگی ایرانی

علیرضا بخشی استوار

پاریس به دلیل برگزاری رویدادهایی چون «پاریس فوتو» و «ماه عکس پاریس» سال‌هاست که به یکی از مهم‌ترین مکان‌ها برای نمایش عکس در جهان بدل شده است. بسیاری از گالری‌های ایران و هم‌چنین عکاس‌های بین‌المللی ایران به دلیل نمایش آثارشان در پاریس توانستند برای خود موقعیتی مناسب در هنر جهان کسب کنند. این روزها نمایشگاه عکاس‌های ایرانی تحت‌عنوان «هفته عکس ایران» در پاریس برگزار می‌شود و عکس‌های نزدیک به ۱۰ هنرمند عکاس جوان در این نمایشگاه در معرض دید قرار گرفته است.

دامنه این عکس‌ها بیشتر مستند اجتماعی است و از جنبه‌های مختلف متناسب با زاویه نگاه عکاس در شکل شخصی‌نما و موقعیتی از فرهنگ و جغرافیای ایران را به تصویر در آورده است.

نگاه عکاس‌ها در آثار این نمایشگاه، نگاهی تیزبین نسبت به واقعیت فرهنگی ایران است. نگاهی وابسته به اهمیت زندگی. نگاهی که افقی پر از امید را پیش چشم خود قرار داده و لایه‌های فراموش شده فرهنگ ایرانی را به نمایش در آورده است.

اگر چه در فضاهای نمایشگاهی اروپا و آمریکا خواست عمومی به نمایش چهره‌های اورینتالیستی و شرق‌شناسانه از ایران معطوف است، اما در این نمایشگاه و در بخش زیادی از نمایشگاه‌های عکس اخیر تصویری که از ایران و از اجتماع ایران منعکس شده وابسته به بنیادهای عمیق فرهنگی ایران است و کمتر به خواست اروپایی‌ها در نمایش چهره‌های نه‌چندان روشن از ایرانیان تن داده‌اند.

این چهره‌ها زبان تازه‌ای از ایران در کشورهای اروپایی به دست می‌دهد. زبانی تصویری که به واسطه سیمینمای بین‌المللی ایران هم پیش از این در جهان شناخته شده بود. اگر بسیاری از

البته در این تصاویر عکاسان تا آن‌جا که امکان داشته است مفاهیم مورد نظر خود را در زیر لایه‌های عکس خود جا داده‌اند. اگر چه عکس‌ها زائر مستند دارد، اما کیفیت فاین آرت تصاویر نیز حفظ شده است. یعنی در بسیاری از تصاویر زیبایی‌های کمپوزیسیون تصویر است که در نگاه نخست بر موضوع از حج است.

این نشان می‌دهد که هنرمندان ایرانی اخلاق را چاشنی فهم زیبایی‌شناسانه خود از فرم هنری کرده‌اند و ترکیب ذائقه بصری و فرهنگی در



سینماگران جهان ادعان دارند که سینمای ایران «سینمای زندگی» است؛ این نگاه اندک‌اندک در سیمای عکاسی ایران نیز جاری شده است و ایران به دلیل تفاوت‌های فرهنگی که در نگاه به زندگی دارد توانسته این روزها زبان جدید هم خلق کند. زبانی که پتانسیل‌های بسیاری در گسترش فضای عکاسی ایران در فضای معاصر دارد.

در نمایشگاه عکس‌های هنرمندان ایرانی به نظر می‌رسد ما نوعی تمنا و آرزو نیز مواجه هستیم. اگر این تصویرها را با توجه به فرهنگ خودمان و متناسب با خوانش‌های فرهنگی خویش بخوانیم هنرمندان ما به یک فقدان پرداخته‌اند. آن‌ها به واسطه آن چه در زمینه‌های فرهنگی ما مانند دید و دید خانوادگی و توجه به اصل هم‌زیستی خانواده، وجود داشته مهربانی و فقدان مهربانی را طلب می‌کنند یا در برخی از عکس‌ها می‌توان مذمت فردگرایی و اهمیت هم‌زیستی اینارگرانه را در تصویرها مشاهده کرد.